# گفتگو با آيت ا شيخ ناصر مكارم شيرازي

گفتگو با آيت ا مكارم شيرازي

بسم ا الرحمن الرحيم

□ با تشكر از استاد به عنوان اوّلين سؤال بفرماييد برخي به مسألة تحريف قرآن دامن مي زنند. ديدگاه عالمان شيعه و سني در اين باره چيست ؟

■ من معتقدم سه دسته هستند كه مسأله تحريف را دامن مي زنند، يك دسته دوستان نادان، كساني كه تصور مي كنند اگر ما قائل به تحريف بشويم، به اسلام خدمت كرده ايم يا به ولايت خدمت كرده ايم، در حالي كه در اشتباه به سر مي برند. ولايت وقتي پا برجا مي ماند كه نبوت پا برجا باشد، نبوت هم وقتي پا برجاست كه قرآن پا برجا بماند. اگر بنا شود ما اساس قرآن را متزلزل كنيم، اساس نبوت و به دنبالش اساس ولايت، هر دو متزلزل مي شود.

اينها دوستان نا داني هستند كه به تحريف قرآن دامن مي زنند. دستة دوّم كه به تحريف قرآن دامن مي زنند، دشمنان دانا هستند كه مي خواهند قول به تحريف را از خود مسلمانها بگيرند و منتشر كنند وبگويند قرآن مسلمانها هم اصالت خويش را از دست داده است. همان گونه كه تورات و انجيل تحريفات زيادي پيدا كرده و اصالت

خودش را از دست داده است، قرآن هم همين طور است. اين هم يك دسته هستند كه دارند اين كار را مي كنند. دستة ديگر هم كساني هستند كه مي خواهند به مذاهب مخالف خودشان در اسلام بر چسب بزنند. مثلاً گروهي از وهّابيها هستند كه مي گويند شيعه معتقد به تحريف قرآن است. اينها براي اين كه برچسبي بزنند و به گمان خودشان شيعه را از دور خارج كنند، اين ادعارا مي آورند. ولي قرآن را از دور خارج مي كنند، اسلام را از دور خارج مي كنند.

اينها افراد متعصبي هستند كه به گمان خودشان مي خواهند براي مذهب وهابيّت پايگاهي درست كنند، غافل از اين كه اسلام را از ريشه متزلزل مي كنند. من معتقدم اينها همه، افرادي هستند منحرف، گاه دوستان نادان، گاه دشمنان دانا وگاه آنها يي كه مي خواهند به مخالفين خود برچسب بزنند. امّا واقعيت مسأله اين است كه اكثريت قريب به اتّفاق علماي شيعه و اكثريت قريب به اتفاق علماي اهل سنّت معتقدند قرآني كه الآن در دست ماست، همان قرآني است كه در عصر رسول خدا صلّي ا عليه وآله بوده، نه يك كلمه كم، نه يك كلمه زياد، نه يك واو و الف كم، نه يك واو والف زياد. اقليّتهايي هستند در ميان دانشمندان شيعه و يك اقليتهايي هم در ميان علماي اهل سنّت كه اين دو اقلّيت نا چيز قائل به تحريف بودند محقّقان هم حرف اينها را مطرود دانسته اند.

پس محقّقان دو گوره به عدم تحريف معتقدند، يك عدّة كم و شاذّي قائل به تحريف شده اند. اين واقعيت مطلب است. هر چه هم غير از اين گفته مي شود، برچسب چسباندن است و تعصبّات بيجاست و مسائلي است كه با واقعيتهاي تاريخي ساز]ار نيست.



□براي روشن شدن موضوع توضيح بفرماييد كه آيا كسي هست قرآن موجود را محرّف بداند ؟

■ قرآن موجود را محرّف دانستن، به اين معنا كه چيزي اضافه شده باشد، هيچ كسي معتقد نيست. يعني احدي از علماي هيچ كدام از فرق اسلامي نمي گويد در اين قرآن يك چيز اضافه است. آنهايي هم كه قائل به تحريف هستند كه معدود افرادي از فريقين هستند، كساني هستند كه معتقدند چيزي از قرآن كم شده،

نمي گويند چيزي بر قرآن اضافه شده است.

□ با رواياتي كه در مورد تحريف قرآن از شيعه و سني نقل شده چگونه بايد برخورد كنيم؟

■ روايات تحريف قرآن ـ همان طور كه ما در بحث اصول هم مفصل گفتيم و در كتاب «انوار الاصول» هم مفصّل چاپ شده ـ چند گروه است :

بعضي از اين روايات ناظر به تفسير قرآن است، وقتي مي گويد : قرآن علي عليه السلام فلان مقدار بود، خيلي بيشتر از قرآن فعلي بود، اين معنايش اين است كه علي عليه السلام متن قرآن را نوشت، تفسيرهاي پيغمبر صلّي ا عليه وآله را نوشت، شأن نزولها را نوشت، عام خاص قرآن را نوشت و ناسخ و منسوخ قرآن را نوشت. روايت اين معنا را مي گويد.

حضرت علي صلّي ا عليه وآله با اين خصوصيات نوشت، نه اين كه قرآني غير از اين قرآن بوده باشد. بنابراين، گروهي از روايات ناظر به مجموعه هاي تفسيري قرآن است، مجموعه هاي شأن نزولي، عام و خاص، مطلق و مقيد و ناسخ ومنسوخ قرآن است. اين دليل بر تحريف نيست. بعضي اشتباه كردند و خيال كرده اند اينها دليل بر تحريف قرآن است.

طائفة دوّمي از روايات اشاره كنندة به تحريف هست كه زمينه اي بر تحريف



معنوي قرآن است، يعني قرآن رابد تفسير كردن. فرض كنيد ما آيه اي در قرآن مجيد داريم كه مي فرمايد : ﴿ خَلَقَ لَكُم مّا فِي الأَرْضِ جَمِيعاً ﴾ هر چه در روي زمين است، خدا براي شما آفريده. بعضي ها آمدند تحريف معنوي كردند گفته اند معنايش اين است كه همه چيز مشترك است و اين آيه دليل است بر الغاي مالكيت شخصي و خصوصي. در حالي كه قرآن وقتي مي گويد : «خداوند همه چيز زمين را براي شما خصوصي در حالي كه قرآن وقتي مي گويد : «خداوند همه چيز زمين را براي شما آفريده » معنايش اين است كه در خدمت شما ست، حالا اين در خدمت بودن گاهي به صورت املاك عمومي است، گاهي ملك دولتي است، گاهي ملك خصوصي است. آنها مي گويند كه هيچ منافاتي ندارد كه ما از اين معناي خدمت، اشتراكيت و كمونيسم

در بياوريم. اين تحريف است، منتها نه تحريف لفظي. آيا الفاظ آيه را عوض كرده ايم ؟ نه بلكه تحريف معنوي است، آيه رابد تفسير كرديم. گروههاي زيادي بودند در طول تاريخ اسلام كه قرآن را تحريف معنوي كردند.

آنها ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُواْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلاَ يُؤْمِنُونَ إِلاَّ قَلِيلاً﴾ بودند. آيات را به گونه ديگري معنا مي كردند كه قسمتي از روايات تحريف هم ناظر به اين است. بخش سوّمي از روايات تحريف هم هست كه آن روايات، روايات مجهول و دروغي است و راويانش افراد بي اعتبار كاذبي بودند. مثلاً يك راوي داريم بنام سيّاري كه قهرمان روايات تحريف است. اين سيّاري كه قهرمان روايات تحريف است. اين سيّاري قسمت مهّمي از روايات تحريف را نقل كرده كه حاجي نوري هم در كتابش زياد از او روايت آورده و اين شخص، شخصي است بي اعتبار، كذّاب، دروغگو، غير قابل اطمينان.

اگر روايات او را در باب تحريف جمع كنيم، خيلي زياد مي شود و قرائن كذب هم گاهي در اين روايات هست. مثلاً روايتي داريم كه دست هر كس بدهند، مي گويد اين دروغ است. و آن روايت اين است كه سؤال كردند از آية شريفة قرآن : ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تُقْسِطُواْ فِي الْيَتَامَى فَانكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ النِّسَاء مَثْنَى وَثُلاَثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلاَّ تَعْدِلُواْ فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلاَّ تَعُولُواْ﴾ اگر مي ترسيد دربارة يتيمان



ظلم كنيد، برويد بازنان پاكيزه ازدواج كنيد. خوب صدر آيه در بارة يتيمان است، ذيل آيه در بارة ازداوج با زنان پاكيزه است. اين دو مورد به گمان عده اي با هم ارتباط ندارد.

روايتي هست كه ـ البته ما مي گوييم اين روايت دروغ است ـ كه حضرت عليه السلام فرمود: بيش از ثلث قرآن بين اين دو جمله بوده كه ساقط شده. اكثر از ثلث قرآن يعني ده جزء ؛ يعني به اندازة ده جزء بين اين دو جملة شرطيه و جملة جزاييه بوده، كه حذف شده. قرآني كه مرتّب ختم مي شد، قرآني كه حافظان بي شمار در كشورهاي اسلامي از زمان پيامبر صلّي ا عليه وآله داشت، يك چنين قرآن بي صاحب

نبود كه ده جزئش يك مرتبه حذف شود و اثري از آثارش هم اصلاً نباشد. اين دروغ محض است. بين اين شرط و جزا رابطه هست،اشاره به دختران يتيم است. مي رفتند دختران يتيم را ازدواج مي كردند، متّهم مي شدند بخاطر پولش.مي فرمايد : با دختران يتيم پولدار اگر مي ترسيد ازدواج كنيد بخاطر پول و حيف و ميل اموال آنها، برويد سراغ زنان پاكيزة ديگر كه كبيره هستند.

بنابراين اگر مي ترسيد از اين كه اموال دختران يتيم را حيف و ميلي كرده باشيد، برويد با زنان ديگر ازدواج كنيد ؛ در اين آية شرط، جزا و پاداش كاملاً با هم مي سازد. حالا روايتي كه مي گويد اكثر از ثلث قرآن، بيش از ده جزء قرآن بين اين دو جمله بوده است و حذف شده، امثال اين روايت دروغ است، و يك محقّق نبايد روايات تحريف را يك كاسه كند، بايد اينها را از هم جدا كند، موقعيت هر يك را ببيند و در باره اش قضاوت كند.

□ بعضي از مستشرقين و بعضي از علماي متعصب اسلامي سعي دارند تحريف قرآن را اثبات كنند، به نظر شما اينها چه هدفي را دنبال مي كنند ؟



■ وامّا مستشرقين كه اين كار را مي كنند، پيداست كه اينها عداوت و دشمني با اسلام دارند و واقعاً مي خواهند اسلام را متزلزل كنند. مي دانيم كه قرآن، همه چيز ماست. قرآن قانون اساسي ماست، اعتقاد ماست، احكام ماست، اخلاق ماست، تاريخ اسلام است، همه چيز ما در اين قرآن است. اگر قرآن را داشته باشيم همه چيز داريم، قرآن را از دست بدهيم، همه چيز را از دست مي دهيم و دشمن هم درست هدف گيري كرده، قلب اسلام يعني قرآن را. پيداست آنها مي خواهند قلب اسلام را هدف گيري كنند كه قرآن را زير سؤال مي برند. وامّا بعضي از متعصبين. واقعاً بايد بانهايت معذرت عرض كنم كه اينها افراد جاهل و ساده اي هستند كه به گمان خودشان دارند خدمت مي كنند، در حالي كه بزرگترين خيانت را انجام مي دهند، به گمان خودشان دارند خدمت مي كنند، در حالي كه بزرگترين خيانت را انجام مي دهند، به گمان اين كه مي خواهند شيعه را از دور خارج كنند، كلّ اسلام را دارند ويران مي كنند. خدا اين افراد نادان را هدايت كند. آنها بي خبرند، كه بادست خودشان تيشه به ريشة اسلام مي زنند، عجب اين است كه علماي شيعه مرتب مي گويند : ما قائل به تحريف نيستيم، كتابهايمان را ببينيد. قرآني كه پيش ماست همان قرآن شماست و هيچ فرقي نمي كند. بازهم مي گويند : شيعه قرآن ديگري دارد.

كسي كه بعد از تكذيب علما بازهم مي گويد، پيداست آدم نادرستي است. من يك جرياني كه براي خودم

واقع شد، بگويم كه يك سند است. ما مشّرف شده بوديم به مكة معظّمه، در يك سفر عمره بود. يكي از دوستان مي گفت كه اگر مايل باشيد با وزير امور مذهبي حجاز ملاقاتي داشته باشيد. گفتيم عيب ندارد. رفتيم اين آقاي وزير را ما ديديم كه يكي از علماي قديمي حجاز بود. در ضمن بحث راجع به مسأله وحدت واتّحاد شيعه و اهل سنّت و همكاري با هم حرف زديم. اين آقا يعني كسي كه به اصطلاح بزرگترين مسؤول مذهبي آن جاست، از يك مسأله واضح بي خبر بود و پرسيد : «سمعت



ان لكم مصحفاً غير مصحفنا» من شنيدم شما يك قرآني داريد، غير از قرآن ما ! گفتم كدام قرآن ؟ گفت : مصحف فاطمة. مصحف فاطمه «سلام ا عليها» شما اين چنين قرآني داريد. من بلا فاصله به ايشان گفتم : كه آقا آزمايش اين معنا خيلي آسان است. شما اگر خودتان مي آييد، با هزينة ما، ما دعوتتان مي كنيم. برويم ايران، نه، يك نماينده با ما بفرستيد، تمام مساجد قرآن دارد، در تمام خانه ها قرآن هست.

انتخاب مسجد،انتخاب خانه به دست شما.

در مي زنيم در تهران هر خانه اي را خواستيد، قرآنشان را ببينيم، صد تا، هزار تا خانه، قرآنهاي ده تا، صد تا مسجد را نگاه مي كنيم. اگر يك قرآن يك «و» كمتر يا بيشتر از اين داشته باشد، شما اين را بگوييد و الاّ ادعا نكنيد. مصحف فاطمه ربطي به قرآن ندارد، سخناني بود كه ملك همان گونه كه فرشتگان با مريم مادر عيسي عليه السلام سخن مي گفتند، ما معتقديم با فاطمة زهرا عليها السلام سخن مي گفتند و اين سخنان را علي عليه السلام نوشت.

آن هم مربوط به احكام و عقايد نبود. خبرهايي از گذشته و آينده در آن بود. اين مصحف فاطمه عليها السلام است، آن هم نزد ائمّه معصومين عليهم السلام است، نزد ماهم وجود ندارد. بنابراين مصحف فاطمه عليها السلام چه ربطي به قرآن مجيد دارد؟ حالا ما اين را مي گوييم آزمايشش آسان است، باز هم مي گويند. اين تعصّب ولجاجتي است كه بعضي را گرفته و خيال مي كنند شيعه ها را با اين وسيله مي شود از ميدان به در كرد:

يكي مسأله تحريف قرآن و يكي هم مسأله مربوط به احترام صحابه. در حالي كه هر دو اشتباه است و تحريف قرآن را ما قائل نيستيم، بارها هم گفتيم، در كتابهايمان هم نوشتيم، براي آنها هم ننوشتيم

بلكه براي خودمان نوشتيم. آنها



هم يك اقليّتي دارند كه قائل بودند، اينها هم يك اقليتي دارند. نه قول اين اقليّت اعتبار دارد، نه قول آن اقليّت. بنابراين اصرارها ناشي از اين سرچشمه هايي است كه عرض كردم.

□ با اين كه محققان از شيعه و اهل سنّت قائل به عدم تحريف قرآن هستند، چگونه بعضي ازناآگاهان و متعصّبان فرق اسلامي اين مسأله را وسيله أي براي تفرقه قرار دادند ؟

■ من عقيده ام اين است كه بايد سعي كنيم فرهنگ فرق اسلامي را بالاتراز اين كه هست، ببينيم، مشكل هميشه مشكل فرهنگي است.

بي خبري، نا آگاهي، ناداني، و تعصبات ناشي از اين جهل و ناداني ؛ اينها دامن مي زنند. اگر ما سعي كنيم از طرق مختلف سمينارهايي بگيريم، علماي فريقين را جمع كنيم، كتابها و مجلاّت و مقالات را... اين او اخر در مسأله حفظ و قرائت قرآن، خيلي خوب جوانان شيعة ما مي در خشند، همين مقدار زيادي سوء تفاهم را كم كرده. چرا ؟ به علّت اين كه آنها مي گفتند : اصلاً شيعه ها هيچ رابطه أي با قرآن ندارند، هيچ علاقه أي به قرآن ندارند. اما يكوقت مي بينند حافظان قرآن شيعه هستند و بهترين قاريان قرآن در مسابقات از ميان شيعه ها برخاسته اند. اگر ما اين رفت و آمدها را داشته باشيم، اختلافات كم كم بر چيده مي شود.

□ به نظر شما قرآني كه علي عليه السلام نوشته اند، چه فرقي با نسخه هاي فعلي قرآن دارد؟

■ هما نطور كه من عرض كردم، آن كه علي عليه السلام نوشته اند، هيچ تفاوتي با قرآن امروز نداشت، جز

در اين چيزي كه عرض مي كنم : علي عليه السلام شأن نزولها را نوشته بودند، ناسخ و منسوخها را نوشته بودند، عامّ و خاصها را نوشته بودند، تفسير هايي كه پيغمبر



اكرم صلّي ا عليه وآله وسلم فرموده را نوشته بودند، به ترتيب نزول نوشته بودند، يعني شاخ و برگهايي به تعبير امروز «علوم القرآن» ضميمه بود. مثل اين كه يك قرآن در متن بنويسيم، اطرافش شان نزولها و عام وخاص و تفسيرات و علوم القرآن بنويسيم، والاّ در متن قرآن يك واو با اين قرآني كه ما داريم تفاوتي نداشت.

□ كتاب جفر و جامع كه علي عليه السلام تنظيم كرده و نزد ايشان بوده، با قرآن چه تفاوتي داشت؟

■ جفر و جامع هيچ ارتباطي با قرآن ندارد. بطوري كه از روايات استفاده مي شود، پيغمبر اكرم صلّي ا عليه وآله وسلم احكامي را به علي عليه السلام ديكته كرده و علي عليه السلام نوشته. اينها را علي عليه السلام جمع كرد. در واقع اين سنّت است.

اسم اين در بعضي از روايات شايد «جامعه» گذاشته شده، بنابراين، جفر و جامعه مربوط به سنت پيغمبر صلّي ا عليه وآله وسلم است نه اين كه مربوط به قرآن باشد، جمع آوري سنّت است كه من اميدوارم ان شاء ا الرحمن يك مقدار بيشتر روي اين مسائل كار شود.

اينها چيزهايي است كه دشمن شديداً رويش كار مي كند. ما اگر بخواهيم وحدت مسلمين را حفظ كنيم و ضربات صهيونيسم را دفع كنيم و جلوي تهاجم فرهنگي را بگيريم، بايد بازگشت به قرآن كنيم، همان گونه كه محقّقان گفته اند، اصالت قرآن را بپذيريم ز ما هر چه داريم از قرآن است و بازگشت به قرآن همه چيز به ما مي دهد و شرط اولش هم اين است كه بدانيم قرآن تحريف نشده، اصالت قرآن همچنان حفظ شده. قرآن چهارده نفر وبه روايتي حدود 39 الي چهل نفر كتّاب وحي داشته. نازل كه مي شد آن را مي نوشتند. اين چنين كتابي را نمي شود تحريف كرد. در بعضي از جنگها داريم كه سيصد نفر از حافظان قرآن شهيد شدند. چقدر حافظ قرآن بوده كه سيصد تن در يك

ميدان جنگ حضور داشته اند ؟ پس اين كتاب امكان ندارد تحريف شده باشد، منتها بايد مقدار زياد به مردم آگاهي بدهيم، تا ان شاء ا بتوانيم اساسيترين پاية ديني را حفظ كنيم.

ان شاء ا